

۱- چرا نگران هستی؟ می‌توانی دعا کنی!

هنگام دعا چرا تو مضطرب هستی؟

۲- چرا نگران هستی؟ می‌توانی دعا کنی!

هنگام دعا چرا تو سرگردان هستی؟

۳- نزد خدا زانو زنیم، از او بطلبیم؛

با پاکدلی با جان و دل از او طلبیم.

۴- چرا نگران هستی؟ می‌توانی دعا کنی!

هنگام دعا چرا تو مضطرب هستی؟

دعا

چشم به راه تو هستیم که هر دم تو شاها از آسمان بیایی

تا به نورت بگردی تو چیره به هر تیرگی و سیاهی

کی میآیی، کی میآیی، آخر به پایان میرسد، کی این جدایی

بنگر که فرزندان تو با بی قراری، در انتظار دیدنت شاه سماوی

چون به قوت همی کرده ویران بساط گناه و تباهی؛ اهرمن از حضورت گریزد در آن روز وجد و رهایی

وای در آن روز سبک بال رها گشته از هر غم و اشک و آهی

پرکشم سوی تو ای مسیحا تو تنها حیاط و راه و راستی

کی میآیی، کی میآیی، آخر به پایان میرسد، کی این جدایی

بنگر که فرزندان تو با بی قراری، در انتظار دیدنت شاه سماوی

زمین پر شد ز هر ظلم و ریا و هر گناهی؛ به هر جا بنگری آتش و جنگ و خرابی
فتنه برپاست شعله‌ای در هر کناری؛ چه بیدادبست در این دنیاست، نه امیدبست نه ایمانی

طاعت سرآمد ای پدر از رنج و زاری؛ خسته از بیداد و ظلم و هر تباهی

خون فرزندان تو بر زمین جاری؛ همه در حبس و تنگدستی و فراری

کی میآیی، کی میآیی، کی میآیی

پدر کی می‌رسد آخر به پایان این جدایی؛ بگو کی می‌کنی ویران بنای هر سیاهی

کی شتابی سوی فرزندان به یاری؛ کی اشکها را به دستانت ز چشمان می‌زدایی

بگو کی می‌رسی از راه شاه سماوی؛ کی کنی بر پا تاج و تخت شاهی

چشم بر راه تو هستیم ای مسیحا؛ تا تو ای سرور از آسمان بیایی

کی میآیی، کی میآیی، کی میآیی

کی میآیی، کی میآیی، کی میآیی، کی میآیی

کی میآیی، کی میآیی، آخر به پایان میرسد، کی این جدایی

بنگر که فرزندان تو از هر کناری، در انتظار دیدنت با بی قراری

۱- چشمانت چه چیزها را دیده؟ که تا این حد هراسان شدی.
گوشهایت چه چیز را شنیده؟ که تا این حد نگران شدی.

چشم ایمانت باز کن؛ گوش ایمانت بگشا؛
بر توفانهای دنیا، با چشم ایمانت بنگر.

۲- چشمانت چه چیزها را دیده؟ که تا این حد شادمان شدی.
گوشهایت چه چیز را شنیده؟ که تا این حد سبکبال شدی.

صدایش را شنیدی؛ با دلیری پیش رفتی؛
با دست قوت او، همیشه حفاظت شوی.

چشمان قلبم را بگشا، چشمان قلبم بگشا
تا تو را بینم، تا تو را بینم (۲)
(در جلال آسمان نور رویت درخشان، مهر و قوت از توست،
تو هستی قدّوس، قدّوس، قدّوس (۲)
(قدّوس، قدّوس، قدّوس، قدّوس، قدّوس، قدّوس،
قدّوس، قدّوس، قدّوس، چشمانم بگشا) (۲)

Cheshmane ghælbæm ra bogsha, Cheshmane ghælbæm bogsha,
Ta to ra binæm, Ta to ra binæm. (2)
(Dær jælale aseman nure ruyæt derækhshan, Mehr o ghovæt æz tost,
To hæsti Ghodus, ghodus, ghodus) (2)
(Ghodus, Ghodus, Ghodus, Ghodus, Ghodus, Ghodus
Ghodus, Ghodus, Ghodus, Cheshmanæm bogsha) (2)

(Open the eyes of my heart Lord,
Open the eyes of my heart, I want to see you (2)) (2)
(To see you high and lifted up, Shining in the light of your glory
Pour out your power and love, For you are holy, holy, holy) (2)
Holy, holy, holy, holy, holy, holy, holy, holy, holy, I want to see you (2)

1997 Integrity's Music/Ascap
By: Paul Baloche

چشمانم بگشا، عیسی را بینم
به پای او افتم، گویم دوستش دارم

گوشه‌هایم بگشا، آوازش بشنوم
چشمانم بگشا، عیسی را بینم

* * * * *

Open our eyes Lord
We want to see Jesus

To reach out and touch Him
And say that we love Him

Open our ears Lord
And help us to listen

Open our eyes Lord
We want to see Jesus

۱- چنان که آهو برای نهرهای آب اشتیاق دارد
همچنان ای خدا جان من اشتیاق برایت دارد

(ای خدا تنها قوتم؛ سپر من امید جانم
با تمام وجودم ای خدا تو را می پرستم) (۲)

۲- در خدا خشنودم که از هر گنجی با ارزشتر است؛
و خدا تنها گنج واقعی و شادی من است

(ای خدا تنها قوتم؛ سپر من امید جانم
با تمام وجودم ای خدا تو را می پرستم) (۲)

چنانکه آهو برای نهرهای آب
شدت اشتیاق دارد
همچنان ای خدا جان من اشتیاق
شدید برای تو دارد (۲)

جان من تشنه خداست تشنه خدای حی که کی
بیایم به حضور خدا حاضر شوم

چنانکه آهو برای نهرهای آب
شدت اشتیاق دارد
همچنان ای خدا جان من اشتیاق
شدید برای تو دارد (۲)

بر خدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهیم گفت
که نجات روی من و خدای من است

چنین نوشت . . . چنین نوشت

که مردی از ره آید، غبار غم زداید، ز چهره‌های مردم غمین
نگاه او پر از طرب، صدای او پر از امید، به دست ما دهد سپیده را

چنین نوشت . . . چنین نوشت

که مژده بهاران، نوید صبح باران، ز باغ عشق او روان شده
نوای آسمانی، سرود مهربانی، به گوش ما رسد ز کهکشان
ای . . . مسیح خوبان، نوری در دل، شوری در سر

به سویت آیم افتان، خیزان، بی پا، بی سر

که در تو یابم عمری تازه، راهی دیگر، آه . . .

مسیح من، امید من، مسیح من، امید من،

چراغ نو برافروز، چراغ نو برافروز، به شام تیره من

قطره باران، با باد صبا پیوست، از بند زمین بگسست، تا جوید راه خود به دریا (۲)

چنین نوشت . . . چنین نوشت

که مژده بهاران، نوید صبح باران، ز باغ عشق او روان شده.
نوای آسمانی، سرود مهربانی، به گوش ما رسد ز کهکشان . .

چنین نوشت . . . چنین نوشت

که مردی از ره آید، غبار غم زداید، ز چهره‌های مردم غمین
نگاه او پر از طرب، صدای او پر از امید، به دست ما دهد سپیده را

بزرگمهر وزیری اکتبر ۱۹۹۷

چو دیدم در کنارِ خود، به وقتِ ترس و تنهایی
همان منجی خالق را، همان عشقِ مسیحایی
محبت کرد بر جانم، شفا بخشید و درمانم
تسلّی داد هر روزه، به این روحِ پریشانم

**خدایی که به جای من، تمام درد بر او رفت
به زخمهایش شفا بخشید، ببخشد او گناهانم
چنان عشقی بی پایان، از آن زخمها جاری شد
که گشته تکیه گاه من، به وقت ترس و عصیانم**

چه جایی بهتر از آغوشِ پر گرما و مهرِ توست
در آن آغوش نگاهِ توست، که می بیند تن و جانم
نترسم گر چه توفانها، بغرند بر علیه من
چه سلطانِ محبت است، سگاندارِ سگانم

**خدایی که به جای من، تمام درد بر او رفت
به زخمهایش شفا بخشید، ببخشد او گناهانم
چنان عشقی بی پایان، از آن زخمها جاری شد
که گشته تکیه گاه من، به وقت ترس و عصیانم**

(هَل، هَللویا، پادشاه، اینست تصویرِ عشقِ تو
دادی جانت تا نجات یابم، این است رحمت و فیضِ تو) (۳)

شعر و آهنگ: روزه نجارنژاد/ سراینده: وحید نوروزی

چو سر مست مسیح من، ز درد و سر چرا ترسم
چو آهوی مسیح من، ز شیر نر چرا ترسم، ز شیر نر چرا ترسم من

تو عیسای خداوندی، خداوندی، خداوندی

چو موسای تو را دیدم، ز فرعونها چرا ترسم من

ز فرعونها چرا ترسم، ز فرعونها چرا ترسم من

چو منجی من او باشد، ز قید و بند چه اندیشم
چو شور و شوق او دارم، ز شور و شر چرا ترسم، ز شور و شر چرا ترسم من

تو عیسای خداوندی، خداوندی، خداوندی

چو موسای تو را دیدم، ز فرعونها چرا ترسم من

ز فرعونها چرا ترسم، ز فرعونها چرا ترسم من

ز روحش پر شده ظرفم، به مسکینی چه اندیشم
هزاران گوهرم داده، ز بی گوهر چرا ترسم، ز بی گوهر چرا ترسم من

تو عیسای خداوندی، خداوندی، خداوندی

چو موسای تو را دیدم، ز فرعونها چرا ترسم من

ز فرعونها چرا ترسم، ز فرعونها چرا ترسم من

چو او با من چنین گرم است، زمستان را چه اندیشم
چو بر بام فلک جستم، ز خار و خس چرا ترسم، ز خار و خس چرا ترسم من

تو عیسای خداوندی، خداوندی، خداوندی

چو موسای تو را دیدم، ز فرعونها چرا ترسم من

ز فرعونها چرا ترسم، ز فرعونها چرا ترسم من

۱- چو سر مست مسیحم من ز دردسر چه اندیشم
چو آهوی مسیحم من ز شیر نر چرا ترسم، ز شیر نر چرا ترسم من

چو منجی من او باشد ز قید و بند چه اندیشم
چو شور و شوق او دارم ز شور و شر چرا ترسم، ز شور و شر چرا ترسم من

تو عیسی خداوندی خداوندی خداوندی
چو موسی ترا دیدم ز فرعونها چرا ترسم من
ز فرعونها چرا ترسم ز فرعونها چرا ترسم من

۲- خوش آوازی او دیدم نواسازی او دیدم
شفا جسم او دیدم ز بیماری چرا ترسم

چو جزر و مد خود دیدم چو بال و پر خود دیدم
چو کر و فر او دیدم ز کور و کر چرا ترسم، ز کور و کر چرا ترسم

تو عیسی خداوندی خداوندی خداوندی
چو موسی ترا دیدم ز فرعونها چرا ترسم من
ز فرعونها چرا ترسم ز فرعونها چرا ترسم من

۱- چون ایمان آریم پیغام انجیل شیرین است دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
پاک نماید گناهان را هم دهد شفا تسلی دهد گریان را جلال بر نامش

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
غیر از او همه چیز فانیت جلال بر نامش
جلال بر نامش، جلال بر نامش
غیر از او همه چیز فانیت، جلال بر نامش

۲- دوست گناهکاران اکنون تو را می‌جوید در حضورش شو فروتن تو را پذیرد
«نکنم تو را محکوم دیگر گناه مکن» گوید تو را با محبت پس قبولش کن

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
غیر از او همه چیز فانیت جلال بر نامش
جلال بر نامش، جلال بر نامش
غیر از او همه چیز فانیت، جلال بر نامش

۳- با دست پر قدرتش داد شفا بیماران درد و اندوه ما رود چون دهد فرمان
او که بخشید شفا محض لمس ردایش هر که ایمان آرد به او دهد شفایش

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
غیر از او همه چیز فانیت جلال بر نامش
جلال بر نامش، جلال بر نامش
غیر از او همه چیز فانیت، جلال بر نامش

۴- سوی عموآس خرامید با دو شاگردش هر روزه با ما خرامد بینیم جلالش
بزودی او را خواهیم دید زود آ مسیحا همان عیسی خواهد آمد که رفت به سما

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است
غیر از او همه چیز فانیت جلال بر نامش
جلال بر نامش، جلال بر نامش
غیر از او همه چیز فانیت، جلال بر نامش

۱- چون بر او می‌نگرم با اشک و آه او که گفت منم حیات و راستی و راه
بر صلیبش برداشت اندوه و درد به زخم‌هایش شفا بخشید ز عصیان آزادم کرد

**ای دوست بهر تو او جانش فدیہ کرد
تا آزادی بخشد تو را از چنگ غم و درد
گناهت گناهت بشکست قلبش را
خون و آب جاری شد بهر پاکی و شفا**

۲- چون بر او می‌نگرم با اشک و آه او که مرد بهر انسان گر چه بی گناه تاج خار بر سر
و مضروب و زار ترک شده از انسان و مطرود و هم خوار ای دوست بهر تو او جانش
فدیہ کرد

تا آزادی بخشد تو را از چنگ غم و درد

گناهت گناهت بشکست قلبش را

خون و آب جاری شد بهر پاکی و شفا

۳- چون بر او می‌نگرم با اشک و آه آن خالق این دنیا و آفتاب و ماه در برابر فیضی
این چنین تنها معبود قلبم باشد عیسی به یقین

**ای دوست بهر تو او جانش فدیہ کرد
تا آزادی بخشد تو را از چنگ غم و درد
گناهت گناهت بشکست قلبش را
خون و آب جاری شد بهر پاکی و شفا**

چون بنگرم بر صلیبت، بینم آن فیضِ عظیمت
بر رنج‌ها و زخم‌های تو، بر پیروزی مهیبت
بر فیضِ تو که جاری شد، از خون و جسمِ تو عیسی
شفا دادی از زخم‌هایت، این روحِ سرگردانم را
صلیب تو تختِ تو شد، تا بر آن نشینی پادشاه
تا آشکار سازی عشقت را، بر روی کوهِ جلجتا
پادشاهان جان میگیرند، تا سلطانِ عالم شوند
شاهِ من جان خود بداد، تا سلطانِ قلبم شود
عاشقانه می‌سرایم، چون دانم شاهِ من تویی
فخرم تویی، عشقم تویی، عیسی مصلوبم تویی
برتر ز هر قدرت تویی، اول تویی، آخر تویی
نور تاریکی‌های من، عیسی محبوبم تویی

۱- چون تو ای خدا بر تمامی زمین
متعال هستی بر جمیع خدایان جلال دهیم

جلال دهیم جلال دهیم جلال دهیم نامت را
عظیم هستی تمجید کنیم جلال دهیم نامت را

۲- متعال باد خداوند در آسمانها

و جلالت در تمامی زمین

متعال باد خداوند در آسمانها

و جلالت و جلالت و جلالت در تمامی زمین

جلال دهیم جلال دهیم جلال دهیم نامت را
عظیم هستی تمجید کنیم جلال دهیم نامت را

۱- چون دائم سرود حمد خوانیم؛ با فیضش نورانی می شویم

**من در تو، تو در من، پری روح القدس را بینیم
هَلّو، هَلّو، با شوق دست زنیم؛ هَلّو، هَلّو، فریاد بر آریم
هَلّو، هَلّو، دست برافرازیم؛ خدا را بسراییم**

۲- چون دائم شکر و سپاس گوئیم؛ با فیضش نورانی می شویم

**من در تو، تو در من، پری روح القدس را بینیم
هَلّو، هَلّو، با شوق دست زنیم؛ هَلّو، هَلّو، فریاد بر آریم
هَلّو، هَلّو، دست برافرازیم؛ خدا را بسراییم**

۳- چون دائم محبت نماییم؛ با فیضش نورانی می شویم

**من در تو، تو در من، پری روح القدس را بینیم
هَلّو، هَلّو، با شوق دست زنیم؛ هَلّو، هَلّو، فریاد بر آریم
هَلّو، هَلّو، دست برافرازیم؛ خدا را بسراییم**

۴- چون دائم در دعا بمانیم؛ با فیضش نورانی می شویم

**من در تو، تو در من، پری روح القدس را بینیم
هَلّو، هَلّو، با شوق دست زنیم؛ هَلّو، هَلّو، فریاد بر آریم
هَلّو، هَلّو، دست برافرازیم؛ خدا را بسراییم**

۱- چون در ظلمت و تاریکی، سرگردان باشم؛ خداوند نزد من است.

چون در امتحان و سختی، درد و رنج کشم؛ خداوند نزد من است.

با شادی سراییم، هلو هلو یاه، هلو هلو یاه.

همه ما خوانیم، هلو هلو یاه؛ خداوند زنده با من است.

۲- چون در خلوت و تنهایی، دعا می‌کنم؛ خداوند نزد من است.

چون در خفا و پنهانی، نیکویی کنم؛ خداوند نزد من است.

با شادی سراییم، هلو هلو یاه، هلو هلو یاه.

همه ما خوانیم، هلو هلو یاه؛ خداوند زنده با من است.

۳- ای تمامی زحمتکشان، ای گرانباران؛ خداوند نزد شماست.

ای تمام برادران و ای خواهران؛ خداوند نزد شماست.

با شادی سراییم، هلو هلو یاه، هلو هلو یاه.

همه ما خوانیم، هلو هلو یاه؛ خداوند زنده با من است.

خداوند نزد من است

۱- چون روحش در من کار کند سرایم مانند داود (۲)

سرایم . . . سرایم . . . سرایم مانند داود (۲)

۲- چون روحش در من کار کند شنوم مانند سموئیل (۲)

شنوم . . . شنوم . . . شنوم مانند سموئیل (۲)

۳- چون روحش در من کار کند محبت کنم چون عیسی (۲)

محبت . . . محبت . . . محبت کنم چون عیسی (۲)

* * * * *

1-When the Spirit of the Lord moved in my heart I will dance as David dance (2)

I will dance. . . I will dance. I will dance as David dance. (2)

2- When the Spirit of the Lord moved in my heart I will listen as Samuel listened (2)

I will listen. . . I will listen. I will listen as David listened. (2)

3- When the Spirit of the Lord moved in my heart I will love as Jesus loved (2)

I will love . . . I will love. I will love as Jesus loved. (2)

**(چون ریزد باران روح تو، بر کویر قلبم
بیابانها بوستان میگردد، با لمس روحت) (۲)**

شفایی تازه بخشد، جانم را سیر گرداند
سرودی تازه نهد، بر لبهای ترسانم
آزادیم با لمس او، پیروزیم در نام او
بیابان بوستان شود، بوستانها جنگل شود

چون زنده است از فردا نترسم

چون زنده است ترسی ندارم

چون دانم آینده در دست‌های اوست

پس زیستن ارزش دارد

چون او زنده است

۱- چون شرارت و گناه کرده دنیا را تباه

زندگی آدمی گشته بی نور و سیاه

مظهر ذات خدا ترک نمود جلال خود را

در میان مردمان چون انسانی شد عیان

بار سنگین گناه را عیسی برداشته ز ما

صلح و آشتی داده ما را با خالق ما خدا

۲- روح او در مومنین بخشید ایمان و یقین

هر خطای نهان را پاک کند از قلب ما

مظهر ذات خدا ترک نمود جلال خود را

در میان مردمان چون انسانی شد عیان

بار سنگین گناه را عیسی برداشته ز ما

صلح و آشتی داده ما را با خالق ما خدا

۳- حمد و تسبیحش کنیم فیضش را بسراییم

اوست امید این جهان تنها راه آسمان

مظهر ذات خدا ترک نمود جلال خود را

در میان مردمان چون انسانی شد عیان

بار سنگین گناه را عیسی برداشته ز ما

صلح و آشتی داده ما را با خالق ما خدا

۱- چون صدای منجی آید، چون صدای منجی آید، چون صدای منجی آید: "صلیب خود بر دار و بیا!"
1- Chon sedaye monji ayæd, Chon sedaye monji ayæd, Chon sedaye monji ayæd: "Salibe khod bæd dar o biya!"
1-I can hear my Savior calling, I can hear my Savior calling,
I can hear my Savior calling, "Take thy cross and follow, follow Me."

هر جا رهبری کندم، هر جا رهبری کندم،

هر جا رهبری کندم، با او روم، روم همواره.

Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Ba u rævæm, rævæm hæmvare.
Where He leads me I will follow, Where He leads me I will follow,
Where He leads me I will follow, I'll go with Him, with Him all the way.

۲- گر چه از دره بگذرم، گر چه از دره بگذرم، گر چه از دره بگذرم، با او روم، روم همواره.
2- Gær cheh æz dære bogzæræm, Gær cheh æz dære bogzæræm Gær cheh æz dære bogzæræm, Ba u rævæm, rævæm hæmvare.

2- I'll go with Him through the garden, I'll go with Him through the garden,
I'll go with Him through the garden, I'll go with Him, with Him all the way.

هر جا رهبری کندم، هر جا رهبری کندم،

هر جا رهبری کندم، با او روم، روم همواره.

Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Ba u rævæm, rævæm hæmvare.
Where He leads me I will follow, Where He leads me I will follow,
Where He leads me I will follow, I'll go with Him, with Him all the way.

۳- گر روم تا جتسیمانی، گر روم تا جتسیمانی، گر روم تا جتسیمانی، با او روم، روم همواره.
3- Gær rævæm ta jetsimani, Gær rævæm ta jetsimani, Gær rævæm ta jetsimani, Ba u rævæm, rævæm hæmvare.

3- I'll go with Him to dark Calv'ry, I'll go with Him to dark Calv'ry,
I'll go with Him to dark Calv'ry, I'll go with Him, with Him all the way.

هر جا رهبری کندم، هر جا رهبری کندم،

هر جا رهبری کندم، با او روم، روم همواره.

Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Ba u rævæm, rævæm hæmvare.
Where He leads me I will follow, Where He leads me I will follow,
Where He leads me I will follow, I'll go with Him, with Him all the way.

۴- او دهد فیض و جلالم، او دهد فیض و جلالم، او دهد فیض و جلالم، حفظم کند، کند همواره.
4-U dæhæd feyz o jælalæm, U dæhæd feyz o jælalæm U dæhæd feyz o jælalæm, Hefzæm konæd, konæd hæmvare

4-He will give me grace and glory, He will give me grace and glory,
He will give me grace and glory, And go with me, with me all the way.

هر جا رهبری کندم، هر جا رهبری کندم،

هر جا رهبری کندم، با او روم، روم همواره.

Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Hær ja ræhbæri konædæm, Ba u rævæm, rævæm hæmvare.
Where He leads me I will follow, Where He leads me I will follow,
Where He leads me I will follow, I'll go with Him, with Him all the way.

۱- چون عیسی شاه جلال، با شکوه بی زوال، بازگشت کند به این جهان؛
ایمانداران حقیقی را سوی خود خواند، در آن بهشت جاودان.
شکر و سپاس باد بر نام عیسی! تنها امیدم در این دنیا!

شادانم، حمدش را خوانم، بازگشت منجیم را خواهانم! (۲)

۲- وقتی خداوند عیسی، مظهر ذات خدا، نازل شود ز آسمان!
همه گنهکاران، از هر نقطه جهان، گردند ترسان و پریشان!
گویند: "ای کوهها، محو کنید ما را؛ شرمنده‌ایم از روی عیسی!"

شادانم، حمدش را خوانم، بازگشت منجیم را خواهانم! (۲)

۳- وقتی رسد به پایان کار من در این جهان، پرواز کنم سوی عیسی!
تاج جلالش بخشد، با شادی مرا گوید: "ای فرزند، نزد من بیا!"
در نور رویش، روم بسویش، اشک شوق ریزم بهر فیضش!

شادانم، حمدش را خوانم، بازگشت منجیم را خواهانم! (۲)

1- Chon Eesa shaheh jælal, Ba shokuheh bi zæval, Bazgæsht konæd beh in jæhan;
Imandaraneh hæghighi ra Suye khod khanæd, Dær an beheshte javedan.

Shokr o sepas bad bæ name Eesa! Tænha omidæm dær in donya!

Shadanæm, hæmdæsh ra khanæm, Bazgæshte monjiyæm ra khanæm, (2)

2- Vægti Khodavænd Eesa, Mæzhære zate Khoda, Nazel shævæd ze aseman!

Hæmeyeh gonæhkaraneh, æz hæz nohteyeh jæhan, Gærdænd tærसान o pærishan!

Guyænd: "Ey kuhha, Mæhv konid ma ra; Shærmændeheh yim æz ruyeh Eesa!"

Shadanæm, hæmdæsh ra khanæm, Bazgæshte monjiyæm ra khanæm, (2)

3- Vægti resæd beh payan Kare mæn dær in jæhan, Pærvaz konæm suye Eesa!

Tajeh jælalæsh bækhshæd, Ba shadi mæra guyæd: "Ey færzænd, næzde mæn biya!"

Dær nure ruyæsh, Rævæm be suyæsh, æshke shogh rizæm Bæhre feyzæsh!

Shadanæm, hæmdæsh ra khanæm, Bazgæshte monjiyæm ra khanæm, (2)

۱- چون مسیح رهانید مرا، همچون بهشت شد این دنیا.

در میان غم و اندوه، چون با او شد جهان سما.

**هللویا، سماست جهان، آزاد شدم چون از گناه.
در بحر و برّ، هر جا باشم، با مسیحا، آنجاست سما.**

۲- دور بود بهشت، تا آن زمان، که او نمود مهرش به ما.

بهشتی در ما ایجاد شد، که تا ابد ماند در ما.

**هللویا، سماست جهان، آزاد شدم چون از گناه.
در بحر و برّ، هر جا باشم، با مسیحا، آنجاست سما.**

۳- ساکن باشم در هر کجا، در صحرا یا روی کوهها.

در کلبه یا کاخ شاهان، چون با او شد جهان سما

**هللویا، سماست جهان، آزاد شدم چون از گناه.
در بحر و برّ، هر جا باشم، با مسیحا، آنجاست سما.**

با او شد جهان سما

۱- چه پر جلال و زیباست این طبیعت؛

زبان قادر به وصف آن نباشد!

گل‌های زیبا و سوسن الوان، همه بیکدل او را ستایند! (۲)

۲- پس ما آدمیان، که همشکل او

سرشته شدیم تا سلطنت کنیم

بر تمامی این جلال و شکوه، همه بیکدل او را ستاییم! (۲)

۳- قابل ستایش تو هستی پدر،

که بدادی بما عیسی پسر،

تا کامل شویم و مسرورت گردیم، همه بیکدل او را ستاییم! (۲)

۴- سپاس، سپاس، سپاس، خدای قدوس!

دوستت داریم تو را جهت فیضت.

چون روح خود را نیز در ما دمیدی، جلال، جلال باد، بر تو ای قدوس! (۲)

چه شیرین و دلپذیر است، نام تو را سرودن
با تو ملاقات نمودن، صدایت را شنیدن
تشنهٔ حضورت هستم، تا ز روحت بنوشم
مشتاق کلامت هستم، پیغامت را بگویم

تو خود مرا فرزند خواندی، به من روح خود را دادی

تا تو را با روح و راستی پرستم

اشکهایم را پاک نمودی، خنده به لبهایم دادی

تا تو را با وجد و شادی پرستم

به پاهای تو می‌فتم، کفشهایت را می‌بوسم
به آغوش تو پناهم، از عشق تو مینوشم
گناهانم را میشویم، با آن خون پاک تو
همه را از دل می‌بخشم، با قدرت نام تو

تو خود مرا فرزند خواندی، به من روح خود را دادی

تا تو را با روح و راستی پرستم

اشکهایم را پاک نمودی، خنده به لبهایم دادی

تا تو را با وجد و شادی پرستم

غم و ترس و بارهایم را، به دوش تو گذارم
امید و هدفهایم را، به پای تو میریزم
جدا از این دنیا شده، خود را به تو سپارم
چون برایم جان بدادی، جان خود را بدهم

(تو خود مرا فرزند خواندی، به من روح خود را دادی)

تا تو را با روح و راستی پرستم

اشکهایم را پاک نمودی، خنده به لبهایم دادی

تا تو را با وجد و شادی پرستم (۲)

چه عجیب است عیسی منجیم (۲)

چه عجیب است محبت او

چه عجیب است عیسی منجیم (۳)

چه عجیب است فیض عظیمش

چه عجیب است عیسی منجیم (۳)

چه عجیب است رحمت بی حدش

چه عجیب است عیسی منجیم

چه عظیم و عجیب است، کارهای تو
زمین مملو است، از رحمت
عدالت و راستی از راههای تو
شاهِ شاهان
کیست که عظمتِ تو را نستاید
تنها تویی، قدّوس
هر زانویی در نزدت خم شود
ای عیسی، تنها تویی قدّوس
قدّوس، قدّوس، تنها تویی قدّوس
قدّوس، قدّوس، ای عیسی، تنها تویی قدّوس (۲)

چه کس گفتا، بنام من شفا ده
چه کس گفتا، به هر دردی دوا ده
چه کس گفتا، برو در آشیانه
نوا بر بلبلان بینوا ده
چه کس گفتا، گرفتن گر عبایت
عبایت را به همراه قبا ده
چه کس گفتا، مکن بر دیگری حکم
بر آنچه مقتضی آمد رضا ده
چه کس گفتا، چه کس گفتا
چه کس گفتا، بنام من شفا ده
چه کس گفتا، چه کس گفتا
چه کس گفتا، به هر دردی دوا ده
چه کس گفتا، چو دشنامی شنیدی
تبسم کن سلامی با صفا ده
چه کس گفتا، هر آنکس قرض خواهد
بده قرضش ولیکن در خفا ده
چه کس گفتا، زدند سیلی به رویت
ز روی دیگرت سان ماجرا ده
چه کس گفتا، که جام مهربانی
تو بر بیگانه و بر آشنا ده
چه کس گفتا، چه کس گفتا چه کس گفتا، بنام من شفا ده
چه کس گفتا، چه کس گفتا
چه کس گفتا، به هر دردی دوا ده

۱- چیست علاج گناهم؟ خون آن بره خدا،
چیست درمان امراضم؟ خون آن بره خدا؛

ای نهر پر بها، طاهر کردی مرا، قدرتی است بی همتا، خون آن بره خدا.

۲- چیست طهارت جانم؟ خون آن بره خدا،
تنها راه نجاتم؟ خون آن بره خدا؛

ای نهر پر بها، طاهر کردی مرا، قدرتی است بی همتا، خون آن بره خدا.

۳- چیست سیر ظفر ما؟ خون آن بره خدا،
پیروزی بر هر گناه؟ خون آن بره خدا؛

ای نهر پر بها، طاهر کردی مرا، قدرتی است بی همتا، خون آن بره خدا.

۴- چیست رمز قدرت ما؟ خون آن بره خدا،
شفیع ما در سما؟ خون آن بره خدا؛

ای نهر پر بها، طاهر کردی مرا، قدرتی است بی همتا، خون آن بره خدا.

1- What can wash away my sin? Nothing but the blood of Jesus;
What can make me whole again? Nothing but the blood of Jesus.

**O! precious is the flow, That makes me white as snow;
No other fount I know, Nothing but the blood of Jesus.**

2- For my pardon this I see? Nothing but the blood of Jesus;
For my cleansing this my plea Nothing but the blood of Jesus.

**O! precious is the flow, That makes me white as snow;
No other fount I know, Nothing but the blood of Jesus.**

3- Nothing can for sin atone, Nothing but the blood of Jesus;
Naught of good that I have done, Nothing but the blood of Jesus.

**O! precious is the flow, That makes me white as snow;
No other fount I know, Nothing but the blood of Jesus.**

4- This is all my hope and peace, Nothing but the blood of Jesus;
This is all my righteousness, Nothing but the blood of Jesus.

**O! precious is the flow, That makes me white as snow;
No other fount I know, Nothing but the blood of Jesus.**

By: Robert Lowry, Translated by: Haik Hosepian Mehr (Romans 5: 8-9)

نویسنده: رابرت لاری، مترجم: هایک هوسپیان مهر از کتاب رومیان ۵: ۸-۹

سرودها: چ - Songs: Che

ردیف	بند اول سرودها	شعر	مترجم	سراینده
.۱	چرا نگران هستی؟ می‌توانی دعا کنی!			
.۲	چشم به راه تو هستیم			
.۳	چشمانت چه چیزها را دیده؟			
.۴	چشمان قلبم را بگشا (Paul Baloche)	پل بلوچی		
.۵	چشمانم بگشا، عیسی را ببینم (Bob Cull)	باب کول		
.۶	چنانکه آهو برای نهرهای آب اشتیاق دارد، ای خدا			
.۷	چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، جان من			
.۸	چنین نوشت... چنین نوشت	بزرگمهر وزیری		
.۹	چو دیدم در کنار خود	روزبه نجارنژاد		وحید نوروزی
.۱۰	چو سر مست مسیح من، ز درد و سر چرا ترسم			
.۱۱	چو سرمست مسیح من ز دردسر چه اندیشم			
.۱۲	چون ایمان آریم پیغام انجیل شیرین است			
.۱۳	چون بر او می‌نگرم با اشک و آه			
.۱۴	چون بنگرم بر صلیبت			
.۱۵	چون توای خدا بر تمامی زمین			
.۱۶	چون دائم سرود حمد خوانیم			
.۱۷	چون در ظلمت و تاریکی، سرگردان باشم			
.۱۸	چون روحش در من کار کند			
.۱۹	چون ریزد باران روح تو			
.۲۰	چون زنده است از فردا نترسم			
.۲۱	چون شرارت و گناه کرده دنیا را تباه			
.۲۲	چون صدای منجی آید.	داود طوماس		
.۲۳	چون عیسی شاه جلال با شکوه بی زوال			
.۲۴	چون مسیح رهانید مرا، همچون بهشت شد این دنیا			
.۲۵	چه پر جلال و زیباست این طبیعت			
.۲۶	چه شیرین و دلپذیر است، نام تو را سرودن			داریوش / ماریا
.۲۷	چه عجیب است عیسی منجیم			
.۲۸	چه عظیم و عجیب است			
.۲۹	چه کس گفتا، بنام من شفا ده			فردریک
.۳۰	چیست علاج گناهم؟ خون آن بره خدا	Robert Lowry	هایک هوسپیان	